



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی رحمته الله

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۴۲	تاریخ	۱۴۰۳/۰۹/۰۷
عنوان ۱	خبر واحد				
عنوان ۲	بررسی اصل حجیت خبر واحد				
عنوان ۳	ادله قائلین حجیت خبر واحد				
عنوان ۴	نوع اول: استدلال به کتاب				
عنوان ۵	استدلال به آیه نفر				
عنوان ۶	تقریب میرزای نائینی در استدلال				
عنوان ۷	اشکال امام خمینی رحمته الله بر مقدمات استدلال میرزای نائینی رحمته الله				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

مرور درس گذشته

بحث ما در اشکالاتی بود که حضرت امام رحمته الله بر بیان محقق نائینی رحمته الله در در استدلال به آیه نفر برای اثبات حجیت خبر داشتند. دو اشکال را در جلسه گذشته بیان کردیم و نقد کردیم. بحث امروز در اشکال سومی است که حضرت امام بر بیان میرزای نائینی دارند.

اشکال بر مقدمه پنجم

این اشکال، تنها بر بیان میرزا نیست؛ بلکه به استدلال به آیه نفر برای اثبات حجیت خبر است؛ ولی ایشان در اشکال به بیانات مرحوم میرزا بیان کردند. مقداری در بیان مقرر در بیان این اشکال، هم اضطراب و هم اطلاق وجود دارد؛ اما حاصل این اشکال را می توان در سه بند توضیح داد:

بند اول: اساساً در آیه کریمه، تحذر، غایت انذار نیست تا اینکه گفته شود اگر انذار واجب بود، غایت آن نیز باید واجب شود؛ بلکه تحذر، غایت نفر است و این نفر، نفر الی الرسول است.

بند دوم: هر چند لولای تحضیضیه بر سر نفر آمده است؛ اما لولای تحضیضیه، افاده وجوب نمی کند؛ گرچه حث بر نفر است؛ بنابراین، نمی توان وجوب حذر اثبات شود؛ زیرا همانطور که بیان شد، حذر غایت نفر است و لولای تحضیضیه، برای افاده وجوب آن کفایت نمی کند؛ زیرا بیش از حث نمی فهماند.

بند سوم: اساساً مقصود آیه، رفع وجوب نفر کلی است؛ حتی در مقام بیان اینکه عده‌ای از هر طایفه‌ای باید بروند و تفقه کنند هم نیست؛ یعنی عبارت «فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ»، نتیجه‌ای است که بر «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً» بار می‌شود. به عبارت دیگر می‌توان چنین بیان داشت که آیه ابتدا می‌فرماید: «مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ»؛ مؤمنین حق ندارند از رسول خدا تخلف کنند و رسول خدا را تنها بگذارند و بعد می‌فرماید که این بدان معنا نیست که بر تمام مؤمنین لازم باشد خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بروند؛ بلکه می‌فرماید: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً». بنابراین آیه حتی در مقام بیان وجوب نفر فرقه‌ای از هر طائفه هم نیست؛ در نتیجه آیه، ارتباطی با وجوب حذر در نتیجه انذار منذر ندارد و نمی‌توان از آیه، حجیت خبر واحد را استفاده نمود.^۲

اشکال بر بیان امام خمینی رحمته الله علیه

به نظر ما این، بیان دارای اشکالاتی است:

اشکال اول

هنگامی که قیدی بعد از جمل و احکام متعدده بیان می‌شود، ظهور قید، رجوع به حکم آخر است. اتصال قید به حکم و جمله آخر، قرینه بر این است که رجوع قید، به حکم آخر است؛ نه به تمام جمله‌ها یا دیگر جمله‌های ما قبل. برخلاف آنچه اهل سنت در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ»^۳ ادعا می‌کنند و «أَرْجُلَكُمْ» را عطف بر «أَيْدِيَكُمْ» می‌دانند. این، خلاف ظهور است. بنابراین هنگامی که آیه می‌فرماید: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» ظهور آیه در این است که «لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»، به «لِيُنذِرُوا» باز می‌گردد که حکم متصل به «لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» است و این خلاف ظاهر است که گفته شود، تحذیر، غایت نفر است.

اشکال دوم

اشکال دیگر این است که حذر، با نفر تناسب ندارد؛ بلکه با انذار تناسب دارد. تناسب حذر با انذار، قرینه‌ای است که نشان می‌دهد تحذر، غایت انذار است؛ چراکه از انذار است که تحذر پیش می‌آید و گرنه صرف نفر که موجب انذار نمی‌شود. بنابراین از جهت عدم تناسب نیز نمی‌توان تحذر را به نفر برگرداند.

۱. «سزاوار نیست که اهل مدینه، و بادیه‌نشینانی که اطراف آنها هستند، از رسول خدا تخلف جویند». سورة توبه: ۱۲۰.

۲. متن تقریرات درس امام خمینی رحمته الله علیه چنین است: «آن ما ذکره من وجوب التحذر لكونه غاية للإنذار الواجب غير صحيح، بل الظاهر كونه غاية للنفر المستفاد وجوبه من «لولا» التحضيضية الظاهرة في الوجوب. ومع ذلك أيضاً ليس للآية ظهور تام في وجوب نفر حتى يترتب عليه وجوب التحذر، فإن صدر الآية - أعني قوله تعالى: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً» - يعطي: أن الغرض المسوق له الكلام هو النهي عن نفر العمومي، وأنه لا يسوغ للمؤمنين أن ينفروا كفاً، وإبقاء رسول الله وحيداً فريداً. وعلى ذلك فيصير المال من الآية هو النهي عن نفر العمومي، لا إيجاب نفر للبعض. فالحث إنما هو على لزوم التجزئة وعدم نفر العمومي، لا على نفر طائفة من كل فرقة للتفقه». تهذيب الأصول؛ ج ۲، ص ۴۶۴ و ۴۶۵.

۳. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که به نماز می‌ایستید، صورت و دست‌ها را تا آرنج بشویید! و سر و پاها را تا مفصل [= برآمدگی پشت پا] مسح کنید». سورة مائده: ۶.

اشکال سوم

اشکال سوم، مربوط به اضطرابی است که در بیان مقرر وجود دارد و معلوم نیست مراد مقرر، نفر «الی الرسول» است یا نفر «من الرسول» است. از برخی کلماتی که در تقریر آمده، این بر می آید که نفر، «من الرسول» است؛ آنجا که می فرماید:

«أَنَّ الغرض المسوق له الكلام هو النهي عن النفر العمومي، وأنه لا يسوغ للمؤمنين أن ينفروا كفاً، وإبقاء رسول الله وحيداً فریداً»^۱.

این عبارت، ظهور دارد در اینکه نفر، نفر «از رسول» است که نفر به سوی جهاد است که رسول در مدینه بماند و مسلمین، برای جهاد بروند؛ در حالی که ظهور آیه، نفر «الی الرسول» است. علاوه بر اینکه دیگر بیاناتی که در تقریر آمده، با نفر «الی الرسول» سازگار است.

[در پاسخ به پرسش یکی از شاگردان:] اگر نفر، نفر «الی الجهاد» باشد، با «يَتَفَقَّهُوا» سازگار نیست. برخی از مفسرین در اینجا گفته اند که از این جهت که سیاق آیات، مربوط به جهاد است، نفر در اینجا، نفر به سوی جهاد است و با تکلفی در صدد این برآمدند که بگویند جهاد، مستلزم تفقه هم می شود. اما این معنا با تکلف حاصل می شود و ظهور آیه در این نیست؛ حال ممکن است که عرضاً در جهاد نیز تفقه ای حاصل شود؛ وگرنه غرض از جهاد، تفقه نیست. بنابراین ظهور آیه این است که نفر، نفر «الی الرسول» است.

یکی نتایج اینکه در تفسیر قرآن، به روایات مراجعه شود و قرآن را از روایات جدا نکنند، در این موارد پیدا می شود. نفر در اینجا، نفر به سوی امام است و غرض از نفر نیز تعلم است؛ زیرا امام، مربی و معلم است. در اینجا ان قلت وجود دارد که مگر می شود تمام مردم نزد امام بیایند؛ در پاسخ گفته می شود که لازم نیست که تمام مردم نزد امام بیایند؛ بلکه از هر فرقه، طائفه ای بیاند و تفقه کنند و نزد قوم خود برگردند و آنها را انداز کنند. اصل مطلب، نفر «الی الرسول» است؛ لذا با عبارت «وإبقاء رسول الله وحيداً فریداً» که در تقریر آمده، سازگار نیست.

اشکال بر بیان میرزای نائینی

به نظر ما بر بیان میرزا نیز دو ایراد وارد است:

اشکال اول

مرحوم میرزا در بیان خود، اینکه «لعل» در مقام تعلیل است را مفروغ عنه گرفتند و سپس بیان کردند «هنگامی که «لعل» در مقام تعلیل می آید، ما بعد آن، غایت برای ما قبلش است؛ در نهایت نتیجه چنین می شود که اگر مغیا واجب است، غایت (حذر) نیز واجب است و وجوب آن نظیر وجوب مغیا است و چون وجوب انذار مطلق است و شامل انذار غیر موجب علم می شود، حذر نیز شامل حذر از انذار غیر موجب علم می شود؛ در نتیجه حجیت خبر واحد اثبات خواهد شد».

۱. تهذیب الأصول؛ ج ۲، ص ۴۶۴ و ۴۶۵.

نکته‌ای که در اینجا وجود دارد این است که دلیلی برای این مطلب بیان نشده است که چرا «لعل» در این آیه، در مقام بیان تعلیل است؛ چراکه «لعل» در معانی متعددی به کار می‌رود. از این رو لازم بود ابتدا ایشان اثبات کنند که چطور در آیه نقر، «لعل»، دلالت بر تعلیل دارد.

بنابراین، اشکال این است که بر چه مبنایی ایشان می‌فرمایند که «لعل» ظهور در افاده تعلیل دارد؛ در حالی که «لعل»، وضع برای افاده تعلیل نشده است و کسی نگفته است که معنای وضعی «لعل»، تعلیل است. بنابراین، بیان میرزای نائینی از این جهت ناقص است.

و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرين